

## نشانه آمریکا کدام است: یمن یا ایران؟

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۵/۰۳۳۱/kto-v-amerikskom-pricele-jemen-ili-iran-۳۲۵۲۸.html>

۱۵ حمل ۱۳۹۴

پس از اشغال نظامی عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ اوضاع خاورمیانه سال به سال بدتر و بدتر می شود. همه آنچه که در منطقه رخ می دهد، خواه در تونس، لیبی، مصر، سوریه یا اکنون در یمن، نتیجه بلاواسطه مداخلات آمریکا در امور داخلی این کشورها می باشد. باراک اوباما در مصاحبه اخیر خود با **وایس نیوز** اذعان کرد: «دولت اسلامی» از داخل القاعده در عراق که به نوبه خود در اثر حمله ما در آنجا ظهور یافت، رشد کرد. این آن چیزی است که عواقب پیش بینی نشده می نامند. برای اینکه، پیش از شلیک، باید نشانه گرفت». با این حال هنوز هم سیاست آمریکایی بد نشانه گیری می کند.

آمریکا با صدور اجازه جنگ با جنبش شیعی «انصارالله» (حوثی ها) خود را بار دیگر با خطر «عواقب پیش بینی نشده» مواجه ساخت. هیچ کسی نمی تواند انکار نماید، که حوثیهای یمن تنها نیروی قادر به رویارویی با گسترش تأثیر تروریستهای «القاعده شبه جزیره عربی» و «دولت اسلامی» هستند. وجود همپیوندی تنگاتنگ بین رئیس جمهور هادی با افراطیون سنی مرتبط با «القاعده شبه جزیره عربی» و «دولت اسلامی»، یکی از دلایل اصلی سقوط او بدست شیعیان بود. اتفاقی نبود که بلافاصله پس از اعلام تشکیل دولت حوثی ها «القاعده شبه جزیره عربی» سوگند وفاداری به «دولت اسلامی» یاد کرد و به جنگ مسلحانه با حوثی ها برخاست. بدین ترتیب، این بار نیز تروریستها در تیررس اوباما قرار نگرفتند.

واشنگتن با چشم فرو بستن بر شواهد قاطع دال بر عدم تهدید تروریستی از جانب جمهوری اسلامی، تا کنون ایران را محور اصلی شر در خاورمیانه قلمداد می کند. بجای آن، امروز واشنگتن باید برای عقد پیمان همکاری با تهران علیه «داعش» در عراق و سوریه سعی کند. اما آمریکائیهها بمنظور مقابله با نفوذ ایران، بحمايت از این نیروهای تروریستی در یمن برخاستند. هدایت سیاست خارجی خود به سمت پوچی به جزء لاینفک عادت سیاستمداران آمریکائی تبدیل شده است.

عربستان سعودی تأکید می کند، که حملات هوائی بنا به درخواست دولت برکنار شده سنی ها انجام می شود. واشنگتن نیز این ادعا را تأیید می کند. مسکو پایان دادن فوری به خونریزیها در یمن را خواستار شد و آمریکا را بخاطر اینکه شباهتهای بین بحران یمن و اوکراین را نادیده می گیرد، مورد سرزنش قرار داد. آمریکا در عین پشتیبانی از رئیس جمهور فراری یمن و عدم

حمایت از ویکتور یانوکویچ، رئیس جمهور سابق اوکراین، بر اساس استانداردهای دوگانه عمل می کند: وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لاوروف بر این باور است که حل و فصل هر دو بحران از راه مذاکره و گفتگوها ممکن بود. اما واکنش دیر هنگام کاخ سفید به برقراری دولت شیعیان در صنعا، وجود انگیزه های ضد ایرانی در تصمیمگیری آمریکا در خصوص آغاز تجاوز علیه یمن را ثابت می کند.

باراک اوباما بمنظور تحکیم سیاست خارجی آمریکا، بویژه در جهان اسلام برای دوره دوم ریاست جمهوری برگزیده شد و بدین ترتیب هم به تاریخ پیوست. با این درک، پروژه اصلی اوباما در شرق میانه شامل بستن پرونده هسته ای ایران، و، اگر ممکن شود، عادی سازی روابط با تهران بود. هیچیک از رؤسای جمهور آمریکا از زمان جیمی کارتر در طول ۳۵ سال به حل این مشکل موفق نشدند. حل آن بدست اوباما نیز بعید است. مسئله فقط در سرسختی ایران یا در موضعگیری ویژه کنگره آمریکا نیست که در مقابل توافق هسته ای با تهران چالشهای تشریفاتی ایجاد کرده است.

شالوده و اساس تمام تلاشهای آمریکا را این عقیده تشکیل می دهد که نباید به ایران اجازه داد نقش رهبری در منطقه را بعهده بگیرد. جنگ علیه شیعیان یمنی نزدیک به ایران به باور واشنگتن بایستی به جمهوری اسلامی ثابت کند که ایرانی ها فاقد قدرت کافی برای تسلط بر خاورمیانه هستند. این بار آمریکائیه در گزینش عوامل اجرائی برای انجام این وظیفه با مشکل مواجه نشدند. همانطور که معلوم شد، دشمنان ایران در دنیای عرب بمراتب بیشتر از دوستان آن است. هدف اصلی سعودیها عبارت از این است، که اجازه ندهد ایران جای آنها را بگیرد. مصر هیچگاه از انقلاب اسلامی ایران حمایت نکرده و همواره نگرش خصمانه نسبت به آن داشته است. کشورهای همسایه خلیج فارس از قدرت ایران می ترسند و در زیر چتر حمایت سعودیها پناه می گیرند. مراکش و اردن، بطوریکه واضح است «بخاطر جمع» و همچنین برای آنکه با امتناع خود واشنگتن را عصبانی نکنند، به این جنگ پیوستند. در اجلاس سران اتحادیه عرب در مصر تشکیل نیروی واحد منطقه ای مورد موافقت قرار گرفت. **نبیل العربی**، دبیر کل اتحادیه عرب موظف شد بمنظور تشکیل نیروهای متحد در عرض یک ماه با نمایندگان نظامی کشورهای عضو دیدار نماید. اعراب حتی هنگام جنگ با اسرائیل چنین یکپارچه تصمیم نگرفتند.

ترکیه ضمن پشتیبانی از اعراب، به مخالفت با ایران برخاست. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور این کشور اظهار داشت که تهران باید رویکرد خود به بحران پدید آمده در عراق، سوریه و یمن را مورد بازنگری قرار دهد. بگفته او، ایران باید از کشورهای نامبرده خارج شود. اردوغان اعتقاد دارد که «رویدادهای یمن، سوریه و عراق محصول مساعی ایران است که می خواهد با

بهره گیری از اختلاف بین شیعیان و سنی ها، بر منطقه مسلط شود و این نیز پذیرفتنی نیست». سخنان رئیس جمهور ترکیه را در ایران شدیداً منفی ارزیابی کردند. منصور حقیقت پور، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران لغو سفر برنامه ریزی شده برای چند روز آینده اردوغان به تهران را خواستار شد. حوادث یمن می تواند دلیل مهمی برای بروز بحران جدی در روابط ایران و همسایه غیر عرب آن گردد. پاکستان هم به ائتلاف عربی پیوست و قول داد که از جنگ عربستان سعودی با شیعیان یمن کاملاً پشتیبانی خواهد کرد.

تجاوز نظامی علیه یمن «طوفان قاطعیت» نام گرفت. کل منطقه را، چنانکه مشهود است، طوفان شدید درنوردیده است. زمان شروع جنگ یمن نیز بطور اتفاقی انتخاب نگردید. ایران در آستانه بستن پرونده هسته ای خود قرار دارد، احتمال پایان موفقیت آمیز مذاکرات با ۱+۵ وجود دارد. مخالفان منطقه ای ایران فهمیده اند، که مناقشه تهران با غرب ممکن است بزودی خاتمه یابد. کمتر کسی به دستیابی واقعی ایران به بمب هسته ای باور می کرد، خطر ایران را نه با تعداد سانتریفیوژها، بلکه، با تعداد کشورهایی که تهران نفوذ جدی در آنها دارد، اندازه می گرفتند. حل و فصل سیاسی مسئله هسته ای ایران وضعیت جغرافیای سیاسی در خاورمیانه را تغییر می دهد. اما یمن، چیزی بیش از یک حلقه پیرامونی در امنیت منطقه ای نیست.

کشور از یک سو در سراسر ساحل راه دریایی اصلی اروپا به آسیا، از دیگر سوی، در کنار راه تجاری دریای سرخ واقع است. روزانه میلیونها بشکه نفت از هر دو مسیر: از طریق کانال سوئز به دریای مدیترانه و از پالایشگاههای نفت سعودی به بازارهای آسیا حمل می شود. تنگه باب المندب، یکی از آن مناطقی است که دولت آمریکا به فهرست هفت تنگه جهانی عبور تانکرهای نفت وارد کرده است. ایران بلحاظ جغرافیایی بر تنگه هرمز که اهمیت راهبردی زیادی دارد، مسلط است. ادعاهای مرتبط با تشکیل دولت تحت رهبری شیعیان در یمن اغلب از نقطه نظر امنیت انرژی اروپا در نظر گرفته می شود. هر جریانی که موفق بر کنترل یمن باشد، می تواند با بستن راه تانکرها از خلیج فارس به کانال سوئز، اروپا را از نفت محروم کند. امروز بنادر یمن در محاصره ناوگان دریایی عربستان قرار گرفته، و ریاض در نظر دارد مدت زیادی در آنجا بماند.

جنگ یمن، یعنی واداشتن ایران به تن دادن به تحریکات برای دادن پاسخ نظامی. واقعیت این است که ایران منتظر پایان بحران سیاسی در یمن نماند، بسوی برقراری مناسبات بین دولتی با رژیم حوثی ها حرکت کرد و تسخیر قدرت سیاسی از سوی آنها را عملاً برسمیت شناخت. بطوریکه واکنش همسایگان نشان می دهد، ایران در این کار به عمل پیش از موعد دست زد. اکنون می توان منتظر بود، که بحران یمن سرنوشت امضای تفاهمنامه در خصوص برنامه هسته

ایران را پشت علامت سؤال قرار دهد. سازمان انرژی اتمی ایران در این باره اعلام کرده که حاکمیت ایران ادامه مذاکرات لوزان را که اکنون به فاز بحرانی رسیده، منتفی نمی داند.

### یادآوری:

مقاله فوق در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۱۵ (۱۰ فروردین- حمل ۱۳۹۴) نوشته شده و بر خلاف انتظار آقای بابکین مبنی بر مقاومت ایران و تداوم مذاکرات، تفاهمنامه تسلیم ایران در لوزان امضاء گردید. مترجم